

نقوش نمادین یا نشانه‌ها، شکل‌پذیر و کمال‌پذیر هستند ولی فناپذیر نیستند، چرا که نقوش در طول تاریخ در حال زایش و تحول بوده‌اند و معمولاً به شکل ثابتی باقی نمی‌مانند. برای بررسی نمادها باید ابتدا ریشه‌ی نقوش را یافت و پوششی را که گرد آنها را گرفته باز کرد؛ جایگاه آن را در زندگی مردم پیدا کرد و تا می‌توان زبان نمادها را دانست و راز آنها را گشود

(تیغ ماهی) را تداعی می‌کند.

نحوه ترکیب‌بندی این طرح در نقشه فرش به صورت قرینه و یا واگیره می‌باشد. در صورتی که نقش کله‌قوچی بزرگ باشد، تعداد کمتری استفاده می‌شود و در صورت کوچک بودن، تعداد بیشتری از آنها در فرش‌ها دیده می‌شود.

## ۲- جلدبکخان Jaldbokhan

معنی لغوی این کلمه به معنی «نگاه زیرکانه» یا «چشم زیرک» می‌باشد. ترنج این طرح به شکل شش ضلعی‌هایی است که به صورت ۳ تا ۵ ترنج متصل به هم در وسط قرار گرفته‌اند. این طرح عموماً روی قالی‌های کناره‌ای اجرا می‌شود. در چهارگوشه این قالی لچک‌های کوچکی وجود دارد. نقوشی که در درون این طرح جای می‌گیرد، کاملاً هندسی انتزاعی است و با مختصر تغییراتی که ناشی از بافت طرح‌های ذهنی توسط چند هنرمند است، از هم متمایز می‌شوند. این نوع نقشه از گذشته‌های دور به فرش کناره‌ای سراب شهرت داشته است. سراب از شهرهایی است که فاصله چندانی با استان اردبیل ندارد و نقشه‌های قالی آن سرمشق قالی‌بافان سایر مناطق قرار گرفته است.

## ۳- یورتچی Yurtchi

یورتچی نام روستایی در حومه اردبیل است و گروهی از کناره‌ها، بدین نام خوانده می‌شوند. این طرح اغلب از سه ترنج منفصل تشکیل شده است. این ترنج‌های شش ضلعی با نوارهای (حمیل مضرس) نازک و پهن، در رنگ‌بندی‌های متفاوت، حاشیه‌ای دور ترنج‌ها به وجود می‌آورند. گاهی این حاشیه‌ها طرح کلی فرش را به صورت خانه‌های شش ضلعی (قاب قابی) مجسم می‌سازد. این نقشه از جهاتی شبیه قالی‌های قابیایی خنک‌گشت عرب و چرپانلوی قشقایی است، با این تفاوت که در قالی‌های عشایری قشقایی، تمام زمینه فرش با اشکال شش ضلعی متصل به هم پر می‌شود، ولی در طرح یورتچی، ترنج‌های شش ضلعی با هم اتصالی برقرار نمی‌کنند. نقوش هندسی و ذهنی که در ترکیب نقشه‌های یورتچی استفاده می‌شود بسیار متنوع است و به نام‌های مختلفی خوانده می‌شود مانند نقشه «یورتچی کفگیری» که در طرح آن اشکالی شبیه کفگیر به موازات یکدیگر درون ترنج‌ها و فواصل میان آنها قرار دارند و یا نقشه «یورتچی ستاره‌ای» که در میان ترنج‌ها و فواصل میان آن‌ها گل‌های ستاره‌ای شش پر قرار گرفته‌اند.

پرواز پرندگان، حمل آذوقه توسط مورچه‌ها، گزش حشرات موذی و... همگی جلوه‌هایی از محیط طبیعی هستند که از نظر تزیین عشایر دورنمانده و در عمق ضمیر او ضبط شده است.

بافته‌ای که با ضمیر محفوظات ذهنی خود کار می‌کند، محدودیتی برای انتخاب نقوش ندارد و آزادی عمل بیشتری دارد. چون نه تنها اشکال و احجام واقعی موجود در طبیعت به او تحمیل نمی‌شود، بلکه فرصتی است تا بافنده دنیا را آن‌گونه که می‌بیند و یا دوست دارد مجسم کند. نقوش دستبافته‌های اردبیل از نظر شکل، ترکیب و محتوا و تنوع و زیبایی بسیار غنی است. برای بررسی این نقوش ابتدا باید رایج‌ترین طرح‌های منطقه را که عبارتند از: طرح کله‌قوچی، طرح جلد بکخان، طرح یورتچی، طرح قلمی، طرح پودنیس و طرح قبا را معرفی و سپس به بررسی نقوشی که در این طرح‌ها به کار رفته پرداخت.

### رایج‌ترین نقشه‌های زیراندازهای سنتی استان اردبیل

#### ۱- کله‌قوچی:

نقش قوچ از گذشته‌های دور به عنوان نقش تزیینی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این حیوان بی‌آنکه در تغذیه خود نیازمند پشیر باشد، در تأمین مایحتاج او سهیم بوده است.

این حیوان ابتدا به شکل طبیعی خود نقش می‌شد ولی تدریجاً تقلید صرف از آن کاسته و بعضی از اعضای آن برجسته‌تر نشان داده شد. غالباً دم حیوان دراز و کشیده و شاخ‌ها نیز بدون تناسب پهن و بزرگ شده است. روی جام سفالی مشهور شوش که متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد است نقش این حیوان با شاخ‌های بی‌نهایت بلند دیده می‌شود. به این صورت که خطوط مدور را که گاهی پیچدار بود طرح می‌کرده‌اند. شکل این شاخ‌ها به صورت‌های مختلفی در دوره‌های بعدی روی آثار هنری دیده شد و دستبافته‌ها نیز از آن مستثنی نماند و شاخ‌هایی در حالت‌های مختلف به صورت نقوش شکسته ترسیم شد.

چنان که هنوز می‌توان این نقوش را در قالی‌های محلی مناطق مختلف کشور مانند استان اردبیل مشاهده کرد. نقشه‌ای که کله قوچی نامیده می‌شود، طرحی است که از یک چندضلعی (هشت و یا شش ضلعی) و دو جفت نقش شاخ مانند که از چهار طرف منشعب شده، تشکیل می‌شود. داخل چند ضلعی‌های درون طرح کله‌قوچی، از تکرار همین طرح یا موضوعاتی از نقوش گیاهی، حیوانی یا نقوش کاملاً انتزاعی وجود دارد. نقوش تزیینی داخل طرح کله‌قوچی به صورتی است که در ذهن انسان شاخ‌گوزن یا اسکلت بدن ماهی



## نقوش در زیراندازهای اردبیل

مریم کیان

نقش و نگارها، هویت فرهنگی یک قوم را مشخص کرده و با بررسی نقوش و آثار خلق شده توسط آنها، می‌توان هنر و فرهنگ اقوام مختلف را شناسایی و مقایسه کرد. نقوش جلوه‌ای از اعتقادات و فرهنگ مردم هستند. گاهی این نقشمایه‌ها، نمادهایی با مضامین خیر و مقدس و زمانی مظهر موضوعات شر و نامبارک می‌باشند. به همین دلیل هر نقش وسیله‌ای برای انتقال پیام و موضوعی خاص است.

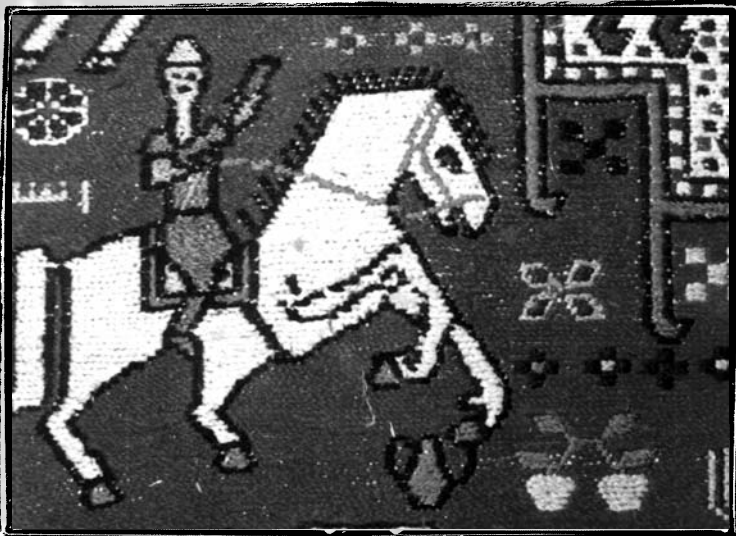
بشر اولیه آن هنگام که به طبیعت اطراف خود نظر انداخت، موضوعات زیادی را برای نقاشی یافت. همچنین او خاطرات زیادی داشت که باید آنها را بازنویسی و یا شکل‌نویسی می‌کرد. برای پیاده کردن نقش از خطوطی که در طبیعت مشاهده کرده بود، الهام می‌گرفت. خطوط شکسته کوه‌ها، خطوط منحنی و نرم امواج دریا و خطوط صاف و مستقیم درختان از منابع الهام بودند. طبیعت، مرجعی معتبر برای دستیابی به انواع نقوش و درک منطق حاکم بر آنهاست. خطوط راست، مایل، متقاطع و موازی و نقطه‌ها، ابتدایی‌ترین نقوش در تاریخ نقاشی جهان هستند، زیرا هم ساده‌ترین شکل را داشته‌اند و هم مناسب‌ترین نقش را برای تکرار، ایجاد تعادل، توازن و تقارن دارا می‌باشند و شاید بتوان گفت از تقارن خطوط بود که اشکال هندسی پدید آمد.

شکل‌نویسی عناصر موجود در طبیعت و جایگزینی آن بر روی صخره‌ها، ابزار و وسایل کار و حتی بدن انسان، قائل شدن مفاهیم دیگری برای نقوش به تدریج آنها را تبدیل به نماد کرد. نمادها حتی هنگامی که از شکل اصلی

خود خارج و نقشی کاملاً انتزاعی می‌یابند. با این حال معنای اصلی خود را خواهند داشت. نقوش نمادین یا نشانه‌ها، شکل‌پذیر و کمال‌پذیر هستند ولی فناپذیر نیستند، چرا که نقوش در طول تاریخ در حال زایش و تحول بوده‌اند و معمولاً به شکل ثابتی باقی نمی‌مانند. برای بررسی نمادها باید ابتدا ریشه‌ی نقوش را یافت و پوششی را که گرد آنها را گرفته باز کرد؛ جایگاه آن را در زندگی مردم پیدا کرد و تا می‌توان زبان نمادها را دانست و راز آنها را گشود.

در نقوش زیراندازهای اردبیل، ترجمانی از طبیعت به چشم می‌خورد که دارای ویژگی‌های خاص خود است. بافنده‌ای که این آثار را خلق کرده با الهام از طبیعت، از تصور ذهنی خویش مدد جسته و آن گونه که خود دیده و احساس کرده، نقش را بر روی تارها بافته است. آنچه سبب این ویژگی در زیراندازهای اردبیل است، عشایری بودن آنهاست، چرا که بافنده‌ها، زنان عشایر ایلسون هستند. برخی از این عشایر کوچ رو هستند و به کار دامداری مشغول‌اند و برخی اسکان یافته و به کار کشاورزی نیز روی آورده‌اند.

شکل ساقه‌ها، برگ‌ها و گل‌ها، دویدن و چریدن جانوران، دانه برچیدن و



بافنده‌ای که با ضمیر محفوظات ذهنی خود کار می‌کند، محدودیتی برای انتخاب نقوش ندارد، چون نه تنها اشکال و احجام واقعی موجود در طبیعت به او تحمیل نمی‌شود، بلکه فرصتی است تا بافنده دنیا را آن‌گونه که می‌بیند و یا دوست دارد مجسم کند

انجام شده و هم مخالفین چنین تصور کنند که مقصود، نقش صورت طالع پادشاه است». بعد از کیخسرو بن کیکاووس، تا دوره صفویه، خبری از نقش شیر و خورشید نبود تا آنکه در دوره صفویه می‌بینیم نقش خورشید به صورت نیم دایره بر پشت شیر چسبیده است که این امر را معلول شتابکاری نقاشان دانسته‌اند. در زمان شاه عباس این نقش بر سکه‌ها دیده می‌شود، بعد از صفویه، قرابین وجود نقش شیر و خورشید کم و گاهی قطع می‌شود تا اینکه در زمان قاجار، دقیقاً از سال ۱۲۸۰ هجری قمری یعنی از دوره حکومت ناصرالدین شاه نشان رسمی ایران شد. در این دوره شیر به پا بلند شده و شمشیری که نشان شمشیر دودم حضرت علی (ع) یعنی ذوالفقار است را در دست دارد، نشان شیر و خورشید به عنوان نشان رسمی بر پرچم، سر در ادارات و سکه‌ها وجود داشت. سرانجام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان پرچم جمهوری اسلامی جایگزین نشان شیر و خورشید شد.

با وجود این که نقش شیر و خورشید امروزه نشان رسمی ایرانیان نیست ولی به دلیل ترکیب مناسب و زیبایی نقش، هنوز در نقوش ورنی‌های منطقه اردبیل دیده می‌شود.

نقش دیگری که در ورنی‌های اردبیل وجود دارد و بسیار شاخص است نقش «سگ مرغ» یا «سگ بالدار» است. این نقش احتمالاً ترکیبی از بدن سگ و تاج و دم طاووس یا بوقلمون می‌باشد. و متأثر از نقش ازدهایی است که در دوره ساسانی به نقش «سگ مرغ مقدس» یا «گریفین» تبدیل شد و نماد پادشاهی ساسانی است.

هرکدام از گروه‌های جانوری به نوعی در زندگی عشایری و روستایی حضور دارند.

#### الف - پستانداران

تعداد زیادی از نقوش حیوانی متعلق به این گروه از حیوانات است. چرا که برخی از آنها به دلیل زاد و ولدی که دارند موجب تقویت بنیه خانواده‌های روستایی می‌شوند. این حیوانات سُم دارند، یعنی ناخن اندام‌های حرکتی تبدیل به سُم شده و گیاهخوارند. این حیوانات علاوه بر تأمین مواد غذایی برای حمل بار و کشاورزی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند اسب، گاو، گوسفند، بز و غیره.

گروه دیگری از پستانداران، گوشتخوار هستند و جزء سریع‌ترین و قوی‌ترین پستانداران محسوب می‌شوند. از میان نقوش حیوانی که در دستبافته عشایری اردبیل دیده می‌شود سگ، روباه و شیر است.

اهمیت برخی از این گروه جانوران به دلیل مقاومت، صبر، تحمل آنان نیز می‌باشد. برخی از جانوران با شرایط خاصی سازش یافته و از بسیاری جهات

در باور این مردم، نقوش حیوانی به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. گروه اول، نقوش حیواناتی است که در زندگی مردم حضور فعالی دارند، این حیوانات اهلی برای مردم سودمند بوده و وجود آنها برای ادامه زندگی ضروری است. از میان این حیوانات می‌توان به مرغ، خروس، جوجه، گوسفند، بز، سگ و... اشاره کرد.

گروه دوم، نقوش حیواناتی است که نماد پاکی، زیبایی و وقار هستند. از این میان می‌توان به کبوتر و طاووس اشاره کرد.

گروه سوم، نقوش حیواناتی است که نمادی از قدرت و درنده‌خویی محسوب می‌شوند. این حیوانات گاهی زندگی روستاییان و عشایر کوچ‌نشین را مورد تهدید قرار می‌دهند. از میان این حیوانات می‌توان به شیر و روباه اشاره کرد.

گروه چهارم، نقوش حیواناتی است که جنبه واقعی نداشته و بیشتر یک نقش تلفیقی محسوب می‌شود. مانند حیوانی که از پشت به صورت قرینه تکرار شده است و یا نقش شیر و خورشید.

نقش شیر و خورشید، شکلی مرکب از نیمرخ شیری است که در پنجه راست شمشیری درست دارد و بر پشت او خورشید می‌درخشد. این علامت نشان رسمی دولت و پرچم ایران در گذشته بوده است. پیشینه این نشان به روزگاران کهن مربوط می‌شود. به این بیان که در گذشته‌های دور، ایرانیان از خورشید که یکی از مظاهر خداوند و نمادی از میثاق، پیمان، زور و نیرو و عقاب که فرّ و شکوه سلطنت از اوست، برای خود پرچم و درفش داشته‌اند ولی به تدریج نقش خورشید که درخشان‌ترین اجرام آسمانی و در نزد مردم باستان بلندترین جایگاه را داشته است و نقش شیر که دلبرترین درندگان به شمار می‌آمد با هم تلفیق شد.

آنچه از نقش شیر و خورشید به صورت واقعی وجود دارد، رابطه علمی و نجومی بین برج اسد و خورشید است. بدین ترتیب که در عرف منجمین، برج اسد، خانه خورشید است، زیرا خورشید در میان بروج دوازده‌گانه، یک یا دو خانه مخصوص داشته است.

درباره نقش شیر و خورشید روایات بسیاری موجود است، چنان که ابن عبدی در سال‌های میانه قرن هفتم هجری قمری، در کتاب «مختصرالدول» آورده است که: «کیخسرو بن عزالدین کیکاووس، از حکمرانان سلجوق آسیای صغیر، عاشق دختر پادشاه گرجستان شد و تمایل داشت که تصویر دختر را بر روی سکه ضرب کند، این خواسته با مخالفت اطرافیان و مسلمین قرار گرفت و چون اصرار کیخسرو را دیدند، به ناچار صورت همچو خورشید شاهزاده خانم گرجی را بر فراز شیری آوردند تا هم خواست کیخسرو

## انواع نقوش

نقوش از ابتدا با درهم آمیختن خطوط و اشکال هندسی چون دایره، مثلث، مربع و... پدید آمد. که هرکدام معنا و مفهوم خاصی را تداعی می کرد. ساده ترین آنها متعلق به مناظر اطراف، با موضوعات کوه، دریا و زمین بود. با تلفیق اشکال هندسی، انسان توانست نقوش بیشتری را رسم کند. در اینجا برای معرفی نقوش، آنها را به گروه های مختلف تقسیم کرده و سپس شرح مختصری درباره هر یک ارائه می دهیم. این نقوش به ترتیب اهمیت در دستبافته های استان اردبیل عبارتند از:

نقوش کاملاً انتزاعی

نقوش حیوانی

نقوش گیاهی

نقوش انسانی

نقوش اشیاء

نقوش سایر عوامل در طبیعت

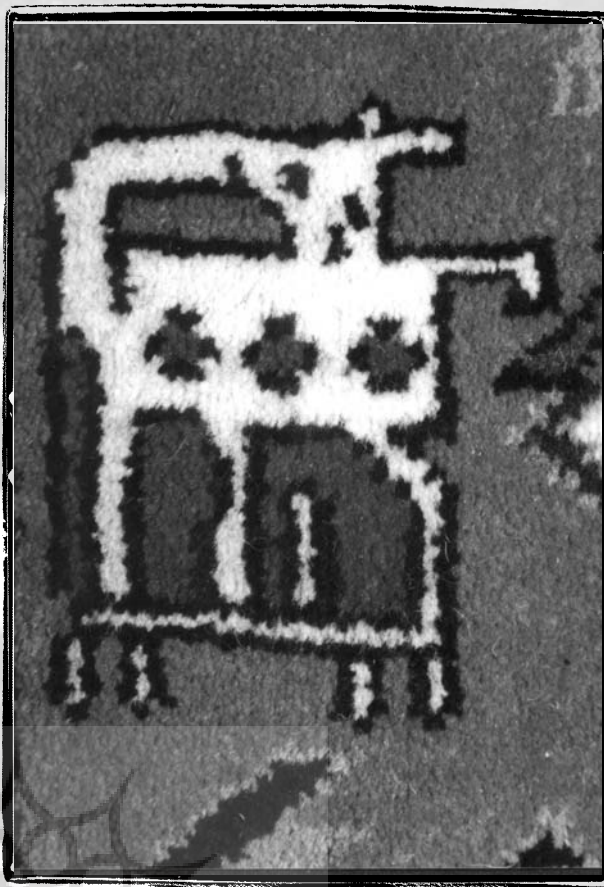
### ۱- نقوش کاملاً انتزاعی:

نقوش کاملاً انتزاعی نقش هایی هستند که از دیگر نقوش - گیاهی، حیوانی، انسانی، اشیاء و سایر عوامل در طبیعت - ریشه گرفته است و با احساس و اندیشه هنرمند در آمیخته و به صورت نقشی مجرد از طبیعت پدید آمده است. این نقوش که به شدت تجریدی و ساده شده اند، دارای نوعی دیدگاه خاص برای نگریستن به پدیده ها هستند و در برخی موارد می توان آنها را نماد و سمبل محسوب کرد.

تبدیل یک نقش مشخص به یک نقش کاملاً انتزاعی به دلایل بسیاری رخ می دهد. گاهی هنگام بازیافتی یا بازآفرینی توسط بافنده، زیباییاتی از نقش حذف و یا اضافه می شود و به تدریج از شکل اصلی خود فاصله می گیرد. گاهی نقوش به دلیل تعامل اجتماعی و یا تبادلات اقتصادی دستبافته ها، کوچ و یا مهاجرت می کنند و در محل جدید نام و موجودیت تازه ای برای خود کسب می کند. گاهی تغییرات در شکل و نام نقش به حدی است که شناسایی نقش اصلی مشکل و در برخی موارد غیرممکن می شود. گاهی نام نقش انتزاعی با شکل آن تناسب دارد و گاهی نامها مناسب به نظر نمی رسند ولی به طور کلی نقوش انتزاعی در حافظه فرهنگی و هنری هنرمندان جایگاه خویش را حفظ می کند و هیچ عدم تناسبی بین شکل و نام نقش در نظر آنان وجود ندارد بر هماهنگی آنها نیز اتفاق نظر دارند. از میان این نقوش می توان به طرح گانگال به معنی خرچنگ، ترازو، النگ و دولنگ، گاپاق گلی و سرمه دان اشاره کرد. نقوش کاملاً انتزاعی معمولاً از تلفیق چند شکل هندسی ساده به وجود می آید. رایج ترین این اشکال، «مثلث» است که در ترکیب نقوش انتزاعی نقش عمده ای دارد. گاهی نقوش کاملاً انتزاعی به عنوان «واگیره» یا نقش تکرار شونده در سطح استفاده می شود و گاهی به عنوان نقش اصلی در ترکیب کلی زیراندازها، همانند ترنج در مرکز قرار می گیرد.

### ۲- نقوش حیوانی:

سابقه به کارگیری نقوش حیوانی طولانی تر از نقوش انسانی است. ابتدا، جادوگران و شکارچیان برای تسخیر روح جانور، نقش آن را بر دیوار و سقف قسمت های تاریک غارها می کشیدند ولی به تدریج بر جنبه های تزئینی این نقوش افزوده شد. همان طور که گفته شد، حیوانات از ابتدای تاریخ بشریت بی آنکه در تغذیه خود نیازمند بشر باشند، خوراک و پوشاک او را تأمین و یا به نحوی در زندگی انسان ها سودمند بوده اند. در دستبافته های روستایی و عشایری اردبیل، به دلیل ارتباط نزدیک میان انسان و حیوان، نقوش حیوانی جایگاه بسیار مهمی در میان نقوش تزئینی این منطقه یافته است.



### ۴- قلمی Ghalami

این نقشه که از طرح های فرش های کناره ای قدیمی سراب است، از شش ضلعی های متصل به هم تشکیل شده و آنچه که این نقشه را از دیگر طرح های محلی این منطقه متمایز می کند، خطوط موازی و هاشوری است که روی زمینه یا ترنج ها با آن تزئین می شود.

### ۵- پودنیس Podenis

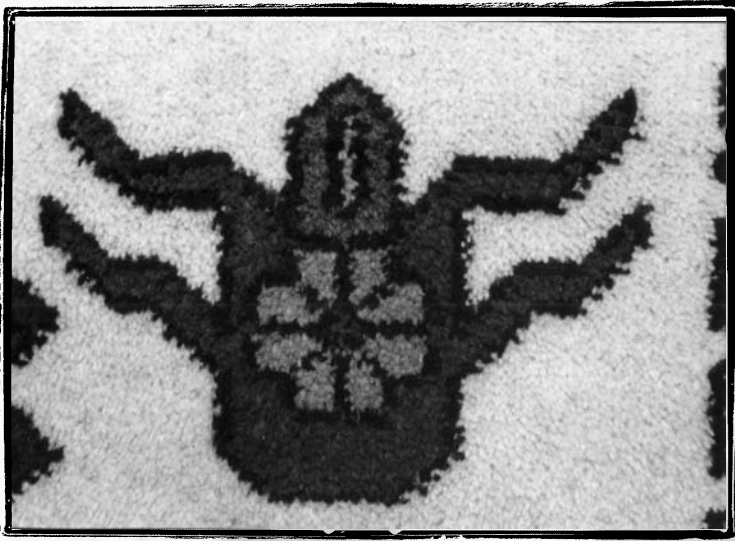
بافندگان محلی کلمه پودنیس را مترادف سینی می دانند. علت نامگذاری این نقشه وجود اشکال مستطیل و مربعی است که به عنوان ترنج های هندسی محسوب می شوند و به آنها پودنیس اطلاق می شود. اکثر این اشکال گوشه بریده هستند و تبدیل به هشت ضلعی شده اند. در مواردی نیز اشکال چلیپا و کنگره ای در فواصل مستطیل و یا مربع ها قرار دارد که آن را طرح «یاور» می نامند.

نمونه هایی از این طرح با نقشه کله قوچی در هم آمیخته که تفکیک آنها از هم مشکل می باشد در این گونه طرح ها، نقوشی مانند قیچی به طور موازی در کنار حاشیه قرار گرفته اند و به آنها نقشه «قیچی و بشقاب» گفته می شود.

### ۶- قبا Ghaba

این نقشه که از طرح های مشترک میان آذربایجان ایران و قفقاز است، به صورت واگیره در سطح قالی تکرار می شود. واگیره در این نقشه ها به گونه ای است که با تکرار آن، لوزی های پیوسته ای در قالی ایجاد شده و در محل تقاطع آنها نقوش چلیپایی قرار می گیرد.

با آنکه مابین خطوط موازی لوزی ها با نقوش انتزاعی چخماق پر شده ولی تمام سطح قالی، ترکیبی از انواع نقوش گیاهی است. گاهی بافندگان از واژه «قالی قبا بافی» استفاده می کنند که این اصطلاح به دلیل نوعی بافت خاص در منطقه قبا می باشد.



نشانه رازآمیز شب و تیرگی شمرده می‌شوند. به این دو پرند نمادین که نشانه‌های روز و شب هستند، در داستان نوح اشاره شده است. هنگامی که توفان فرومی‌نشیند، و زمان خروج از کشتی و گام نهادن بر خشکی فرامی‌رسد، نخست کلاغ را برای آوردن خبر می‌فرستند، کلاغ به خوردن مردار مشغول می‌شود. سپس کبوتر را گسیل می‌دارند، کبوتر چون نماد روشنایی و روز است، شاخه‌ای از زیتون را که خود نشانه آرامش و اشته است به نوک می‌گیرد و مزه فرونشستن آب را برای نوح می‌آورد.

آریستوفان مورخ یونانی (۴۴۵ تا ۳۸۶ ق. م) «خروس» را پرندۀ مادی یا پارسی نامیده و آن را نشان پارس‌ها می‌داند.

خروس در زبان یونانی Pursos خوانده می‌شود که از کلمات Puros و Perses مشتق شده است.

در دوره اسلامی ساخت ظروفی به شکل خروس از جنس سفال، فلز و شیشه رایج بود و حتی در ادبیات این دوره هم تأثیر خویش را برجای گذاشت.

نظامی در مثنوی خسرو و شیرین، صراحی را به خروس آتشین تاج تشبیه کرده است. گاهی این خروس در ادبیات جنبه‌های عرفانی می‌یابد و چنانکه خروس آسمان یعنی مرغی که پیش از هنگام صبح اول بانگ کند و سپس مرغان زمین در آواز آیند. گویند یک بال این خروس سپید رنگ در مشرق و بال دیگر او در مغرب است، سرش به زیر عرش می‌رسد و پاهای او در هواست... او خدا را تسبیح می‌کند و آنگاه خروسان زمین چنین کنند و به عبارتی خروس، جان وحی خوانده شده است. گاهی در اشعار فارسی، از واژه خروس سحرخوان استفاده شده که منظور از خروسی که هنگام سحر می‌خواند و کنایه از طلوع خورشید در سپیده دم است.

### ج) خزندگان

مارمولک، آفتاب‌پرست و لاک‌پشت که از گروه خزندگان محسوب می‌شوند، و از دیگر جانورانی هستند که نقوش آنها در دستبافته‌های اردبیل دیده می‌شود و غالباً بی‌ضرر هستند. مارمولکها با خوردن حشرات در کنترل جمعیت آنها دخالت می‌کنند. آفتاب‌پرست‌ها که از انواع سوسمارها هستند، قادرند برای فرار از دید دشمن و یا هنگام شکار کردن تغییر رنگ دهد.

قدرت تغییر رنگ و استتار در آفتاب‌پرست به حدی است که می‌تواند در زمان کوتاهی خود را به رنگ محیطی که در آنجاست درآورد و این عامل یکی از نکات توجه مردم این خطه به آفتاب‌پرست است. خزندگان هنگام حرکت شکم خود را روی زمین می‌کشند. خزندگان یا دست و پا ندارند و یا دارای دست و پای کوتاهی هستند. این ویژگی در نقوش حیوانی خزنده، کاملاً بارز است.

### د) حشرات

بخشی از نقوشی که در دستبافته‌های اردبیل دیده می‌شود مربوط به این گروه از جانوران است که عموماً شامل عقرب، عنکبوت، کنه، رطیل، بید است و هرکدام به نوعی به مردم این منطقه آسیب می‌رسانند.

رطیل به دلیل داشتن نیش زهری شهرت دارد که گزش آن، باعث ایجاد درد می‌شود. عقرب نیز دارای نیش سمی است که اقسامی از آنها دارای زهری مرگبار برای انسان هستند. بسیار دیده شده که عقرب خود را در داخل کفش یا لباس پنهان می‌کند و ناگهان به انسان گزند می‌رساند. کنه‌ها روی پوست جانوران خانگی مثل گاو، سگ، گربه، مرغ و حتی انسان چسبیده و از قسمت‌های مرده پوست، مو، پر و گاهی خون جانور تغذیه می‌کند و ناقل بیماری‌ها هستند. گاهی کنه در زیر پوست انسان، کانالهایی حفر می‌کند و کنه ماده در آنجا تخم‌ریزی می‌کند که با خارش شدید همراه است. کنه گیاهی نیز، نوعی آفت برای محصولات کشاورزی محسوب می‌شود.

بید نیز به لباس‌ها، پارچه‌ها و زیراندازهای پشمی آسیب می‌رساند و موجب پوسیدگی در الیاف آن می‌شود.

حشرات را در همه‌ی محیط‌ها می‌توان یافت. شاید تعداد حشراتی که در یک باغ کوچک وجود دارد، از مقدار ساکنین یک شهر هم زیاده باشد. حس تهاجم موجود در حشرات را در دیگر جانوران نمی‌توان یافت. مگسی که می‌خواهد روی غذایی بنشیند یا پشه‌ای که مزاحم آرامش انسان می‌شود، به قیمت از دست دادن جان، این کار را انجام می‌دهد. نیروی بدنی حشرات در مقایسه با جثه‌ی کوچک آنها حیرت‌آور است. یک مورچه چندین برابر وزن و حجم خود، باری را حمل می‌کند و یک کک، صد برابر طول بدنش می‌جهد. حشرات از جمله بزرگترین دشمنان آدمی هستند که منابع غذایی را نابود می‌کنند. به عنوان مثال، ملخ، همه نوع محصول را از میان می‌برد و برای کشاورزان یکی از آفت‌های خطرناک است.

با بیان موارد یاد شده به ارتباط نزدیک (خواسته یا ناخواسته) میان انسان و حیوان واقف می‌شویم، این ارتباط را نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که زندگی و مرگ انسان‌ها به آن وابسته است و غریب نیست که مردم این خطه از ایران، حضور آنها را در همه جا، به هنگام کشاورزی و دامداری و حتی در زمان فراغت از کار، به هنگام بافتن زیراندازی برای کمک به معاش خانواده، در نظر خود محسوم کرده و آنها را با کمک تار و پود قالی عیان می‌سازند، اگرچه ارتباط این نقوش حیوانی با رنگ واقعی خود در طبیعت به دلیل محدودیت رنگ‌های زیراندازی‌های سنتی منطقه، اندک است ولی به قدری نقوش استادانه طرح شده‌اند که از قدرت و زیبایی نقش نمی‌کاهد.

### ۳- نقوش گیاهی

ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، کشوری با آب و هوای خشک محسوب می‌شود و همواره مردم آرزوی داشتن مراتع سبز و خرم را داشته‌اند که این آرزو به مدد «باران» برآورده می‌شده است. از این رو گیاهان سبز، بسیار عزیز و گرانی شمرده می‌شدند، تا حدی که گیاهان حیاتبخش وارد دنیای اساطیر و داستان‌های مذهبی شدند. چنان که در داستان جرجیس پیامبر می‌خوانیم که او را در خانه‌ای حبس می‌کنند و اطراف خانه را با دیوار حصار می‌کشند تا از گرسنگی و تشنگی هلاک شود. از ستون‌های خانه که با ساقه‌ی درخت نخل ساخته شده بود، خرما می‌روید و جرجیس از خرما تغذیه کرده و از این مهلکه جان سالم بدر می‌برد. به همین دلیل ستون نمادی از درخت محسوب شده و نشانه برکت هر خانه شمرده می‌شود. معماری مساجد نیز با این نشانه برکت و بخشنده‌ی ارتباط می‌یابد و مناره‌ها، نیز نمادی از برکت نباتی شده و حتی نقوش تزئینی داخل مساجد نیز متأثر از گیاهان نقاشی

نقوش کاملاً انتزاعی نقش‌هایی هستند که از دیگر نقوش - گیاهی، حیوانی، انسانی، اشیاء و سایر عوامل در طبیعت - ریشه گرفته و با احساس و اندیشه هنرمند در آمیخته و به صورت نقشی مجرد از طبیعت پدید آمده است. این نقوش که به شدت تجریدی و ساده شده‌اند، دارای نوعی دیدگاه خاص برای نگریستن به پدیده‌ها هستند و در برخی موارد می‌توان آنها را نماد و سمبل محسوب کرد



مقاوم شده‌اند. یکی از این جانوران که به خوبی با زیستن در بیابان سازگار شده، شتر و بز کوهی است. شتر می‌تواند مدت نسبتاً طولانی را بدون آب بگذراند و هنگام رسیدن به آب در زمان کوتاهی کمبود آن را جبران کند. بعضی از جانوران مثل «بز کوهی» اصلاً آب نمی‌نوشند و آب مورد نیاز خود را از غذایی که می‌خورند تأمین می‌کنند.

#### ویژگی نقوش این گروه از حیوانات در موارد ذیل دیده می‌شود:

۱- ترکیب اصلی نقش حیوانی ثابت مانده ولی برخی از اعضای حیوان تغییر جهت داده است. گاهی در مقایسه بین دو نقش مشابه به دلیل اینکه در ترکیب کلی دستبافته فضای خالی وجود دارد و نقشی که باید در این فضا قرار گیرد برای آن مناسب نیست، به ناچار نقش تغییراتی می‌کند. بدین ترتیب که سر حیوان به عقب برگشته یا پوزه‌ی حیوان کوتاه‌تر شده است و یا دم حیوان به اشکال مختلف، به صورت شکسته یا تا شده تصویر می‌شود. این تغییر هیچ اثری بر ارائه ویژگی‌های خاص نقوش حیوانی ندارد.

۲- گاهی در مورد یک حیوان، حالت‌های مختلف جانور، هنگامی که با شرایط متفاوت روبرو است، تصویر می‌شود. به عنوان مثال حالت‌های مختلف سگ به هنگام دویدن، نشستن و ایستادن و یا حالت دم حیوان در نقوش حیوانی سگ دیده می‌شود که برخی از آنها عبارت است از:

- حالت دم، سر و گوش‌ها به هنگام شنیدن یا بوییدن چیزی.

- حالت دوم و بدن به هنگام حماه و تهاجم.

- حالت بدن به هنگام ابزار دوستی.

- حالت بدن به هنگام دویدن.

- حالت بدن به هنگام نشستن.

۳- شکل پوزه پستانداران، گاهی با منقار و نوک پرندگان در آمیخته و نمی‌توان آن را به عنوان یک عامل شناسایی نقش، شناخت.

۴- گاهی برای نقوش پستانداران، اعضای گذاشته می‌شود، که با سایر ویژگی‌های نقش حیوان مغایرت دارد، بدین معنی که نقش حیوان چهارپا با تاج، کاکل و دم پرند دیده می‌شود.

۵- در برخی از نقوش حیوانی، ترسیم شاخ به صورت بسیار منظم و شاخص تصویر شده است. گاهی نقش دم کاملاً شبیه شاخ است و گاهی به صورت متصل به هم رسم می‌شوند.

۶- به طور کلی اغلب بافندگان سلیقه خود را در بافت نقش و ترکیب‌بندی آنها در دستبافته‌ها دخالت می‌دهند. گاهی یک نقش به شکل‌های مختلفی اجرا می‌شود بدین معنی که خطوط محیطی نقش گاهی به صورت پلکانی،

گاهی با خطوط تقریباً صاف و منحنی در بافت اجرا می‌شود. ۷- چشم‌ها اغلب به صورت مربع، مستطیل، مثلث و یا دوزنقه رسم می‌شود که در برخی موارد ویژگی خاص چشم حیوان را در خود دارد که با مشاهده آن می‌توان نوع حیوان را تشخیص داد.

۸- پا آنکه در نقوش حیوانی، بدن حیوان از نیمرخ رسم می‌شود ولی تعداد پاها، همیشه دوتا نیست بلکه تعداد آن متغیر است و تعداد پای حیوان غالباً به صورت چهارپاست ولی حتی نقش حیوانی با ده پا نیز رسم شده است. در مواردی مانند نقش حیوانی اسب، دو پای حیوان، به جای سم، چنگال پرندگان دیده می‌شود.

#### ب - پرندگان

وجود پرندگان در زندگی آدمی بسیار اهمیت دارد. آدمی از گوشت و تخم پرندگان مثل مرغ، اردک و بوقلمون استفاده می‌کند و از پرندگان دیگری چون قناری، بلبل و پرندگان شکاری مانند عقاب، برای تفنن و سرگرمی بهره می‌جوید. ارزش برخی از پرندگان به دلیل خوردن حشرات و دانه علف‌های هرز و شکار کردن جانوران موزی، مثل موش است که مانع تکثیر آنها و وارد آمدن خسارت به محصولات کشاورزی می‌شوند.

نقوش پرندگان متأثر از ویژگی هر پرند طرح شده است و راسته‌های حیوانی ذیل در دستبافته‌های اردبیل دیده می‌شود.

- اردک شکلان با پاهای کوتاه، منقار پهن، گردن بلند و گاهی پرده بین انگشتان پا که برخی نمونه‌های آن اردک، مرغابی و غاز است.

- عقاب شکلان با منقار خمیده و قوی، چنگال‌های نیرومند و چشمان تیزبین مانند عقاب، شاهین و کرکس.

- کبوتر شکلان با منقار ضعیف و پاهای کوتاه مانند کبوترها.

- گنجشک شکلان با جثه کوچک و منقار کوتاه مانند سار، گنجشک، بلبل و قناری.

- مایکبان این راسته از پرندگان بال‌های کوتاه و چنگال‌های قوی برای کندن زمین دارند و تنها در ارتفاع کم قادر به پرواز هستند. انگشت عقبی پای آنها از دیگر انگشتان بالاتر قرار گرفته است می‌توان از مرغ و خروس و طاووس نام برد.

در بعضی فرهنگ‌ها، برخی از پرندگان تمثیل شهوات هستند، زیرا شهوات مانند جانوران درنده، سرکش و وحشی‌اند. پرندگان بر فراز اندیشه و عقل پرواز می‌کنند و در دام خرد نمی‌افتند و با آن کاری ندارند. برخی پرندگان مانند کبوتر سفید، نشانه رازآلود روز و روشنایی و کلاغ سیاه.

تصاویر مربوط به شکارچیان و جنگجویان است ولی در طی دوران تاریخ و با پدید آمدن شهرها و حکومت‌های بزرگ، انسان‌ها در حالت‌های مختلفی نقاشی شدند.

بعد از ورود آریایی‌ها به ایران، موضوعات نقوش انسانی مربوط به شاهان و لشکریان در حالت‌های شکار، انجام مراسم مذهبی، هنگام جلوس شاه بر تخت، مجالس بزم و رزم بوده است.

در دوره اسلامی، از نقوش انسانی کمتر از گذشته استفاده می‌شد و بیشتر شامل امیران سوار بر اسب و نقوش یک یا چند نفر است، در این تصاویر معمولاً بالاتنه و صورت در حالت تمام رخ و پاها به صورت نیم‌رخ ترسیم شده‌اند.

نقوش انسانی دوفره در دوره اسلامی بسیار رایج بود. این نقوش به «گفت‌وگویی دو نفره در باغ» شهرت یافته است که این تصاویر دو نفر را در کنار هم به صورت نشسته نشان می‌دهد. برخی از محققین معتقدند که این نقوش نماد ماه خرداد (جوزا یا دویبکر) هستند. چهره‌ها در این نقوش منتقل‌کننده هیچ حالتی نیستند ولی با نگاهی کلی به تصویر، مضمون آن درک می‌شود که بیشتر متأثر از داستان‌های عاشقانه یا حماسی در ادبیات فارسی ایران است. در دوره‌های بعد نقوش انسانی بازآفرینی تصویر انسان‌ها یا شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و مشاغل مختلف است. در هنرهای روستایی این نقوش، تصویر انسان‌های معمولی اطراف هنرمند بود که می‌تواند نقش کشاورز، چوپان، آسیابان، اسب‌سوار، شترسوار و یا حتی افراد خانواده بافنده باشد.

امروزه در دستبافت‌های اردبیل به ندرت نقوش انسانی دیده می‌شود. این نقوش بسیار تجریدی و غالباً به همراه حیوانات اهلی بافته شده است گاهی برخی از نقوش به دلیل تشابه نقش و یا مفهوم خاصی نامگذاری شده‌اند. مانند نقش «دست‌باز» که به نیم‌تنه قرینه شخصی که دست‌ها را به اطراف گشوده است شبیه می‌باشد و یا نقش «سرباز». سرباز به معنی کسی است که سر خود را ببازد و یا فدا کند ولی نقش سرباز شبیه نقشمایه‌ی طبل معقلی است که در ظاهر شبیه دو مثلث قرینه است و شکل پیکان را در نظر مجسم می‌سازد که این نقش در شهرهای شمالی استان اردبیل «گاپاق گلی» نامیده می‌شود.

بعضی از نام‌های بومی نقوش دستبافته‌های اردبیل، مربوط به وسایل و پوشاک انسان‌ها می‌شود مانند «شالمه» یا «شالمن» که از کلمه «شاله کلا» از گویش تالشی گرفته شده است. لازم به ذکر است که شاله کلا، دستار یا نوار نازکی از پارچه سیاهی است که مردان کوه‌نشین بر سر می‌گذارند و نقش شالمه در ظاهر شبیه یک بوته گل است ولی بافندگان معتقدند که دو برگ بوته گل، دو طرف شالی است که بعد از پیچیدن به سر، در اطراف سر، رها می‌شود. از آنجا که عشاير به کار دامداری اشتغال دارند، اغلب نقوش انسانی مربوط به این نوع فعالیت است.

## ۵- نقوش اشیا

این نقوش نیز برداشت تجریدی اشیا می‌باشد که در زندگی روزمره بافندگان کاربرد دارند و درآمد اقتصادی خانوار روستایی به آن وابسته است و معیشت خانواده را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

تمام اشیا که در محیط زندگی انسان‌ها وجود دارد، دارای دو جنبه‌ی کاربردی و تزئینی است. در طول تاریخ هنر ایران هرگاه شیئی کاربردی توسط استادکاران ساخته شده، عوامل تزئینی نیز به شدت در آن دخیل بوده‌اند و حتی جنبه‌های تزئینی آثار نیز مصارف کاربردی می‌یافتند. به نظر می‌رسد که سازندگان آنها هیچ‌گاه شیئی را صرفاً برای تزئین نمی‌ساخته‌اند، بلکه هدف‌هایی از آن داشته‌اند و حتی اگر مصارف کاربردی آثار به درستی مشخص نباشد، جنبه‌های اعتقادی را می‌توان از ورای شکل، نقوش و رنگ آن تشخیص داد که عموماً شامل انواع آویزه است. نقوش اشیا که در دستبافته‌های اردبیل دیده می‌شود عبارتند از:

- ظروفی برای نگهداری غلات مانند خمره‌های شکم‌دار.

- ظروفی که عموماً برای نگهداری مایعات استفاده می‌شود و دارای دسته و لوله با دهانه‌ی نسبتاً تنگ هستند. این ظروف شکل آفتابه و ابریق دارند که به نوع سفالی آن «لوله هین» گفته می‌شود.

- ظروفی که برای نگهداری گل و گیاه استفاده می‌شوند، گاهی مانند یک گلدان ساده و گاهی دارای دسته و پایه هستند.

- ظروفی که برای آماده کردن و نوشیدن چای استفاده می‌شود و شامل سماور، قوری، کتری، استکان و نعلبکی است.

- قیچی برای چیدن پشم گوسفندان.

- ابزار کار که عموماً شامل ابزار کشاورزی و وسایل شکار است. از میان نقوش ابزار کار کشاورزی می‌توان به چنگک، تبر، خیش و گلاوه‌ان و از میان نقوش وسایل شکار، می‌توان به پیکان، تپانچه و چخماق تفنگ اشاره کرد.

## ۶- نقوش متأثر از مناظر طبیعی

این نقوش برگرفته از سایر عوامل طبیعی است که در مباحث پیشین نامبرده شده است، مانند خورشید، ماه، ستاره، کوه، دریا و زمین‌های زراعی و رودخانه‌ها، بناها، سنگ‌ها، آب، باد، آتش و غیره. از قدیم‌ترین عناصر طبیعت که در میان اقوام بدوی پرستیده می‌شد، «ماه» است ولی اینکه دقیقاً چه زمانی «خورشید» برای حکومت بر آسمان جانشین ماه شد روشن نیست. به گفته ویل دورانت شاید آن هنگام که عصر کشاورزی جانشین عصر شکار شد و اهمیت نور خورشید در کاشت و برداشت محصولات کشاورزی آشکار شد، خورشید به خدایان مورد پرستش پیوست. در ادوار کهن ایران، قبل از ظهور زرتشت به دلیل ایمان به خدایان متعدد و پرستش عناصر طبیعت که از اعتقادات آریایی‌های ساکن این سرزمین بوده است، ماه که شب تیره و ظلمانی را روشنی می‌بخشد، همواره به عنوان یکی از خدایان ستایش شده است. نماد ماه به شکل چلیپایی است که از چهار هزار سال پیش بر روی آثار باستانی به چشم می‌خورد. بزکوهی با شاخ‌هایی بزرگتر از اندازه معمول و شبیه هلال ماه به عنوان نماد ماه ترسیم شده که گاه فقط شاخ‌ها به عنوان نقش نمادی آورده می‌شد. معمولاً در قرآن به چیزهای مهم قسم یاد می‌شود که خورشید و ماه از آن جمله هستند چرا که جزر و مد دریا، محاسبه روز، ماه و سال، نورافشانی و ایجاد حرارت، وزش باده‌ها، رشد گیاهان و سبز بودن آنها و... همه از وجود آنهاست.

یکی دیگر از مناظر طبیعی که انسان‌ها هر شب آن را رؤیت می‌کنند، ستارگان هستند. ستارگان اجرامی هستند که در دل تاریک شب، هنگامی که تصور می‌رود همه چیز مرده است، می‌درخشند، مانند چراغی که افروخته شده باشد و روح مشخص و صامتی در آن هست که هر شب اعلام می‌کند که هنوز زندگی در جریان است و سیاهی و ظلمت پایدار نمی‌ماند و در پایان خورشید طلوع خواهد کرد. با آنکه ستارگان از دور تنها به صورت نقطه‌ای روشن دیده می‌شوند ولی نقشی که به عنوان ستاره در دستبافته‌ها می‌شناسیم، شبیه به دانه‌های هندسی برف قبل از ذوب شدن است.

از کوه‌ها در قرآن به نام «ستون‌های زمین» یاد شده است که در روز رستاخیز به حرکت درمی‌آیند. از کوه‌ها همواره به عنوان استوارترین و محکم‌ترین نماد در طبیعت ذکر شده است که خدایان می‌توانستند بر فراز آن زندگی کنند. در جوامع بدوی سنگ‌های خشن و طبیعی را نیز به منزله جایگاه ارواح یا خدایان می‌شناختند و از آنها سنگ قبر و اشیاء مقدس ساخته و یا حریم و مرز مکان‌های خاصی را با آن تعیین می‌کردند. در معماری ایران و جهان، کنگره‌ها، نمادی از کوه و سلسله جبال بودند که بر روی پلکان و حصار قلاع، ساخته می‌شدند. این کنگره‌ها علاوه بر معماری در صنایع مستطرفه، به خصوص در حاشیه آثار هنری منعکس شده‌اند در حاشیه زیراندازهای سنتی که محدوده‌ای از زمین را می‌پوشانند، طرح‌های کنگره‌ای که ما آن را در گروه طرح‌های مداخل می‌شناسیم، بافته می‌شود.

در دوره اسلامی، از نقوش انسانی کمتر از گذشته استفاده می‌شد و بیشتر شامل امیران سوار بر اسب و نقوش یک یا چند نفر است، در این تصاویر معمولاً بالاتنه و صورت در حالت تمام رخ و پاها به صورت نیم‌رخ ترسیم شده‌اند.



استفاده می‌شود.

ایرانیان قدیم به ویژه اهالی سیستان درخت گز را بسیار دوست داشتند و گاهی تا حد پرستش به آنها احترام می‌گذاشتند. در داستان‌های شاهنامه آمده است که رستم از چوب درخت گز تیری برای نابودی اسفندیار ساخت و یا رستم با خوردن میوه‌ی درخت گز شفا یافته است.

در افسانه‌های پارسی قدیم، بسیار دیده شده است که بعضی افراد در موقع گرسنگی یا بیماری از گیاه جانبخش می‌خوردند و در نتیجه از نعمت جوانی و حیات جاودانی بهره‌مند می‌شدند و یا با توسل به درخت گز شفا یافته و معالجه شده‌اند. همچنین در گذشته برای جلب عنایت و حمایت درختان هدایایی را بر شاخه‌های آنها می‌آویختند و شاید رسم نوشتن نام بر پوست درختان از این سنت قدیمی باقی مانده باشد. دخیل بستن به درختان نیز میراثی از دوره زرتشت است، ایرانیان سرو را خدای گیاهان می‌دانستند.

نقشی که بر شال‌های ترمه و قلمکاری‌های اصفهان دیده می‌شود، شکل سروی است که نوک آن بر اثر وزش باد خم شده باشد و این می‌رساند که از روزگار باستان، مردم بدین درخت توجهی خاص داشته‌اند. سرو راست قامت از دیرباز علامت خاص ایرانیان بوده است.

همه‌ی این عوامل سبب می‌شود که نقش بوته، به عنوان یک نقش اصیل و سنتی، در دوره‌های مختلف، همچنان پایدار و ماندگار باقی بماند. آنچه در این نقش تغییر می‌یابد، تزیینات جزئی است که بر آن افزوده می‌شود و به نام‌های «بته‌چشمی»، «بته‌چشم‌دار»، «بته‌سرجک» و «بته ریزه» خوانده می‌شود.

#### ۴- نقوش انسانی

اولین نقوش انسانی مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی است. نقوش انسانی که در دیوار غارها کشیده شده، انسان را در حال شکار یا رقص‌های جادویی نشان می‌دهد. این نقوش ابتدا فقط به صورت خطی رسم می‌شد، این طرح‌های ساده، قابلیت تفهیم حرکات انسانی را دارد.

نقوش انسانی به تدریج پیچیده‌تر و دارای معانی خاصی شدند. چنان‌که در نقوش سفالینه‌های تمدن‌های تپه سیلک کاشان، تل تیموران، تنه خزینه شوش و چشمه علی تهران می‌توان انسان را در حال اجرای انواع مراسم آیین نیایش خورشید و ماه مشاهده کرد. انسان این سفالینه‌ها معمولاً با قامتی بلند، شانه‌های پهن و کمرباریک ترسیم شده است. گاهی دست‌ها به طرف بالا، گاه روی شانه‌های نفر بعدی قرار داده شده و گاهی دستمالی به دست دارند. پاها گاهی از زانو خم شده و گاهی در حالت راه رفتن نشان داده شده است. این

می‌شود و این پیوستگی در سطوح دیگری ادامه می‌یابد و جلوه‌های دیگر خود را آشکار می‌کند. به عنوان مثال شهرها و قلعه‌های قدیمی که در گذشته دارای هفت حصار بود و در وسط آن پردیس یا باغ زیبایی می‌ساختند که در آن انواع گیاهان، آبگیر یا حوض، پرندگان و چرندگان در آن وجود داشتند. هنگامی که شکل شهرنشینی تغییر کرد، خاطره‌ی زیبایی پردیس‌های گذشته را به هنگام بافت قالی بازسازی کردند.

حاشیه‌های قالی به پیروی از هفت حصار قلعه‌ها، اغلب دارای هفت حاشیه است و در وسط آن نقوش گیاهی و حیوانی نمادین و تجریدی بافته می‌شود. در مرکز قالی «ترنج» قرار می‌گیرد که نمادی از حوض یا آبگیر باغ‌هاست. کسی که در طبیعت اطراف خود، از دیدن باغ و سبزه‌زارها محروم است، در خانه روی قالی می‌نشیند و خود را درون باغی سرسبز می‌بیند.

قالی‌های پرگل و گیاه ایرانی چنان مسحورکننده بودند که آندره گدار در کتاب هنر ایران آورده است: «قالی‌های باغ‌نما» پسندیده‌ترین انواع قالی‌های ایرانی هستند و به قدری زیبا بافته می‌شدند که حتی ساختن باغ‌ها را از آنها تقلید می‌کردند و بنوبه خود تبدیل به «باغ‌های قالی‌نما» شدند. آنها نه تنها باغچه‌های گلکاری شده را از روی نقشه‌بندی و رنگ‌آمیزی نقشه قالی تقلید می‌کردند، بلکه در مناطقی که به علت کمبود آب، احداث باغ و گلکاری غیرممکن بود با سنگ‌های رنگارنگ باغچه مصنوعی می‌ساختند.

نقوش گیاهی در دستبافت‌های سنتی اردبیل برگرفته از گیاهان طبیعی محیط اطراف این مناطق است. این گیاهان مصارف غذایی، دارویی، سوخت، رنگرزی الیاف و بسیاری مایحتاج دیگر مردم را تأمین می‌کرده و به دلیل نیاز و مصرف در زندگی روزمره به تدریج اهمیت و قداست خاصی یافته و جای خود را در فرهنگ و هنر این مرز و بوم باز کرده است. یکی از عرصه‌های تجلی نقوش گیاهی، دستبافته‌های سنتی اردبیل است. از مشهورترین نقوش گیاهی، می‌توان از نقش «بوته» یا «بوته» نام برد. این نقش شبیه درخت سرو یا درخت گز می‌باشد. سرو درخت همیشه سبزی است که صفت آزادی و آزادگی را به آن نسبت داده‌اند. درخت گز که از جهاتی شبیه درخت سرو است، از درختان گرمسیری است، که در کنار رودخانه ارس نیز رشد می‌کند. این درخت علاوه بر اینکه در زمین‌های ماندابی کنار دریا و مجاور رودخانه می‌روید، در برابر کم‌آبی بسیار مقاوم است. از چوب آن برای ساختن خانه‌های روستایی و بومی و از نوع خاصی از آن، ماده شیرینی که به انگبین شهرت دارد، گرفته می‌شود. علاوه بر این از برگ‌های سوزنی این درخت برای تغذیه دام‌های عشایر کوچ‌رو